

## صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی در کد جزا

داکتر صادق باقری\*

### چکیده

صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی به‌عنوان آخرین دستاورد جامعه بشری، که حاصل تجارب جدید نظام‌های جزایی در سطح جهانی و برخی نظامی‌های ملی است، در کد جزا پیش‌بینی شده است. صلاحیت جهانی استثنای بدیعی است بر اصل سرزمینی‌بودن صلاحیت‌ها. بر اساس این صلاحیت، محاکم افغانستان می‌توانند حتی به جرایمی رسیدگی کنند که نه مرتکب و قربانی آن به افغانستان ارتباط دارد، نه محل وقوع آن افغانستان است و نه علیه منافع ملی یا اتباع افغانستان ارتکاب یافته است. منظور از جرایم بین‌المللی آن دسته از فجیع‌ترین رفتارهای جرمی است که وقوع آن وجدان جمعی جامعه بشری را جریحه‌دار می‌سازد؛ نظم و امنیت را در سطح جهانی اخلال می‌کند و احساس ترس و ناامنی در دایره وسیع برای همه افراد، در هر جا که باشند، ایجاد می‌کند. تدبیر مشترک جامعه بشری در برابر این نوع رفتارهای ضد انسانی، شناسایی مصادیق، جرم‌انگاری و ایجاد ضمانت‌های اجرایی قهری بوده است. جرم‌انگاری، به‌دلیل دخیل‌بودن خود دولت‌ها، نخست در عرصه بین‌المللی صورت گرفته و بعد در نظام‌های داخلی بازتاب یافته است. نتیجه این فرایند، جرم‌انگاری چهار دسته از جرایم جدید در کد جزا است که در ۱۱ ماده

\* پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه.

و در قالب ۶۹ عنوان کلی تر و ۱۲۳ عمل جرمی نمود یافته و به محاکم افغانستان، علاوه بر صلاحیت سرزمینی، صلاحیت جهانی رسیدگی به آن‌ها داده شده است.

واژگان کلیدی: جرایم بین‌المللی، جرایم فراملی، صلاحیت جهانی.

## مقدمه

تدوین و تصویب کد جزای ۱۳۹۶ اقدامی است زیربنایی و استراتژیک برای نوسازی، افزایش ظرفیت‌ها و توانمندسازی نظام عدلی-قضایی جهت پاسخ‌گویی مؤثرتر به ضرورت‌ها و نیازهای امروز کشور. کد جزا با اعتراف به همه ضعف‌ها، نارسایی‌ها و کاستی‌هایی که می‌توان انگشت انتقاد را به سوی آن‌ها نشانه گرفت، حاوی نوآوری‌ها، ابتکارات و جنبه‌های مثبت بی‌شماری است که از جمله به موارد ذیل می‌توان به صورت فهرست‌وار اشاره کرد:

۱. بازنگری و تقنین مجدد توأم با تعدیل و هماهنگ‌سازی محتوای تمام اسناد تقنینی که در طول چهل و شش سال گذشته (۱۳۵۵-۱۳۹۶) در قالب آن‌ها، به‌طور پراکنده و طبق شرایط و مقتضیات زمانی متفاوت، به جرم‌انگاری رفتارهای ناهنجار اجتماعی پرداخته شده است.
۲. تجمیع ۳۴ سند تقنینی جدا از هم در یک سند واحد به نام کد جزا و به این ترتیب، نجات قضات، سارنوال‌ها، وکلای مدافع و سایر دست‌اندرکاران امور عدلی و قضایی از سردرگمی و سرگردانی میان قوانین متعددی که در مواردی، با هم در تضاد و تعارض بودند و تشخیص موارد قابل اجرا از میان انبوهی از این قوانین کاری بود بس دشوار.
۳. جرم‌انگاری رفتارهای ضد هنجارهای اجتماعی جدید و بی‌پیشینه در مقیاس وسیع که مقتضای عصر ماست؛ از قبیل جرایم سایبری، جرایم مالیاتی، جرایم انتخاباتی، جرایم علیه تطبیق عدالت، جرایم تطهیر پول، جرایم قاچاق انسان، جرایم بچه‌بازی، جرایم قاچاق آثار تاریخی، جرایم غصب زمین و اموال غیر منقول، جرایم تبعیض در اداره، جرایم تعرض به حقوق مالکیت فکری یا معنوی، جرایم تجارتي، جرایم محیط‌زیستی، جرایم مربوط به آب، جرایم مربوط به صحت عامه و ...
۴. افزایش کمی مواد کد جزا در مقایسه با قانون جزای سابق به‌عنوان مجموعه واحدی از قوانین جزا، از ۵۲۳ ماده به ۹۱۶ ماده در پاسخ به نیازهای روز.
۵. بازبینی مجازات‌ها بر اساس جدیدترین نظریه‌های علمی در حوزه‌های جرم‌شناسی،

- جزاشناسی، جامعه‌شناسی جرمی و روان‌شناختی جرمی و تعیین مجازات‌های متناسب‌تر با رفتارهای جرمی و اوضاع و احوال و شرایط وقوع جرایم.
۶. پیش‌بینی شرایط و حالات مخففه مجازات‌ها با دقت و وسواس زیاد در مقیاس بسیار وسیع و در حالات متغیر و متفاوت، به‌خصوص با توجه به وضعیت و موقعیت اشخاص آسیب‌پذیر و در معرض خطر.
۷. کاهش مجازات اعدام به حداقل ممکن با توجه به مبانی فلسفی و نظری آن‌ها از یک‌سو و کارکرد و مؤثریت عملی آن‌ها از سوی دیگر.
۸. پیش‌بینی جزاهای بدیل حبس با توجه به تأثیرات منفی تطبیق این نوع جزا در شرایط و موارد خاص.
۹. جرم‌انگاری کلیه مواردی که دولت در طول سال‌های اخیر بر اساس تعهدات بین‌المللی ناشی از کنوانسیون‌ها و میثاق‌های مختلف، به اتخاذ تدابیر تقنینی لازم و جرم‌انگاری رفتارهای خاص متعهد شده است؛ ولی تا کنون در جهت ایفای آن اقدامات کافی صورت نگرفته است.
۱۰. پرداختن دقیق و جامع به حوزه صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی با استفاده از آخرین تجارب جامعه بین‌المللی در این زمینه.
- ضرورت تبیین ابعاد بدیع و ابتکاری کد جزا و فراهم‌ساختن شرایط مناسب برای اجرای درست آن، رسالت سترگی را متوجه جامعه حقوقی کشور می‌سازد و دست‌اندرکاران و متولیان دستگاه عدلی-قضایی کشور نیز در این زمینه مسئولیت خطیری را به دوش دارند.
- نخستین گام در جهت معرفی درست کد جدید جزا و فراهم‌ساختن بستر مناسب برای اجرای یکسان، مفید و مؤثر آن در سطح کشور، تدوین شرح علمی و روشنی‌بخشیدن به زوایای مبهم و مجمل آن، از این طریق است. خوش‌بختانه گام‌های آغازین اما استوار در این زمینه برداشته شده است. گام بعدی آشنا‌ساختن قضات، سارنوال‌ها، وکلای مدافع و سایر افراد دخیل در فرایند تعقیب، رسیدگی و تطبیق است. در این زمینه هم به نظر می‌رسد تلاش‌های خوبی جریان دارد.
- نکته قابل توجه این که شرح‌نویسی و اجرای برنامه‌های آموزشی به تنهایی بسنده نیست. رسالت سترگ جامعه حقوقی با این مقدار تلاش‌ها، آن‌هم از نوع پروژه‌ای و شتاب‌آلود آن، به‌جا

نمی‌شود. ادبیات حقوقی در کشور ما از استغنای کافی و خودبسندگی لازم بهره‌ای ندارد. هر بخش و هر زاویه کد جزا، به‌خصوص بخش‌های جدید آن، به وا کاوی گسترده و تحقیقات ژرف علمی ضرورت دارد تا اولاً، اصول، مبانی و بنیادهای نظری آن روشن گردد و ثانیاً، مکانیزم عملی، کاستی‌ها و نابسامانی‌های اجرایی موجود در آن به درستی آشکار گردد تا زمینه برای پیرایش‌های بعدی فراهم شود.

در این مقاله محور کوچک اما کاملاً بی‌پیشینه در نظام جزایی کشور (صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی) به معرفی گرفته شده است.

## ۱. جرایم بین‌المللی

### ۱-۱. پیشینه تاریخی جرایم بین‌المللی

جرایم بین‌المللی، هم به‌لحاظ محتوایی و مفهومی و هم به‌لحاظ شکلی، به‌عنوان یک اصطلاح در سطح فراتر از مرزهای ملی، پدیده جدیدی است. به نظر می‌رسد پیشینه طرح روشن و ملموس این موضوع، آن‌هم در حد ایده و نظر، به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد (Wallace, ۳۱۰). «گوستاو مونیه»، یکی از بنیان‌گذاران صلیب سرخ، شاید برای اولین بار در سال ۱۸۷۲، به دنبال جنگ فاجعه‌بار فرانسه و پروس، ایده خاصی را در این زمینه مطرح کرد. او بر این باور بود که رفتارهای ضد بشری نظامیان در جریان جنگ‌ها، در سطح بین‌المللی به‌عنوان جرم به رسمیت شناخته شود و برای محاکمه و مجازات مرتکبین آن‌ها محکمه بین‌المللی تأسیس شود. این طرح مورد استقبال دولت‌ها قرار نگرفت.

فجایع تکان‌دهنده ضد بشری که در جنگ اول جهانی رخ داد، افکار عمومی را برای پذیرش این ایده بیشتر آماده ساخت. فاتحان جنگ تلاش کردند امپراتور جرمنی، «ویلهلم» دوم، و دست‌یاران وی را بر اساس قواعد عرفی جنگ، به اتهام جرم شروع جنگ و جرایمی که در طول جنگ مرتکب شده بودند، تحت تعقیب قرار داده و از طریق یک محکمه بین‌المللی محاکمه و مجازات کنند. این تلاش‌ها به‌دلیل فرار ویلهلم به کشور هالنلند و پذیرش پناهندگی وی از طرف دولت این کشور، به نتیجه نرسید؛ اما بعد از جنگ جهانی دوم، طرح محاکمه و مجازات مرتکبان جنایت تجاوز و سایر جرایم بین‌المللی از طریق دادگاه‌های بین‌المللی نورنبرگ و توکیو به منصه

اجرا گذاشته شد (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۸۹). اسناد و رویه‌های محاکم نورنبرگ و توکیو بر غنای ادبیات این موضوع افزود. بر این اساس، تشکیل این محاکم و محاکمه و مجازات مرتکبین جرایم جنگی در فرایند تحول جرایم بین‌المللی نقطه عطفی به حساب می‌آید.

سومین مرحله توسعه جرایم بین‌المللی، و به‌طور کلی حقوق جزای بین‌الملل، دهه ۱۳۹۰ میلادی است. در این دهه، جرایم بین‌المللی تشخیص بیش‌تر یافت و مکانیزم اجرایی آن بر اساس تجربه محاکم یوگسلاویای سابق و رواندا بهتر سامان یافت و در نهایت در قالب اساس‌نامه محکمه جزایی بین‌المللی شکل تکامل یافته‌تری به خود گرفت (کیتی چایساری، ۲۹).

## ۲-۱. تعریف جرایم بین‌المللی

جرایم بین‌المللی را از دو بعد می‌توان تعریف کرد:

### ۲-۱-۱. از بعد محتوایی

از بعد محتوایی، جرایم بین‌المللی یا به تعبیر کد جزای افغانستان «جرایم علیه بشریت» (کد جزا، باب دوم از کتاب دوم) به‌طور کلی آن دسته از رفتارهای جرمی است که آثار منفی آن به‌لحاظ نظم و امنیت اجتماعی به چارچوب جغرافیای کشور محل ارتکاب محدود نمی‌شود؛ بلکه وقوع آن احساس ناامنی و هراس را در مقیاس وسیع در سطح جامعه بین‌المللی به وجود می‌آورد و وجدان جمعی جامعه بشری را جریحه‌دار می‌سازد؛ برخلاف جرایم عادی داخلی که آثار منفی اجتماعی آن به دایره جغرافیای کشور محدود می‌شود و وقوع آن در بین مردم همان کشور احساس ناامنی ایجاد می‌کند و وجدان جمعی را در دایره همان منطقه و نهایت در دایره همان کشور جریحه‌دار می‌سازد. به همین دلیل، اصل سرزمینی بودن در نظام‌های داخلی حقوق جزا حاکم است؛ به‌طور مثال: وقوع جرم قتل نفس باعث احساس ناامنی در کشور می‌شود و وجدان جامعه ملی را جریحه‌دار می‌سازد؛ ولی وقوع جرم نسل‌کشی، احساس ناامنی در سطح جامعه جهانی به وجود می‌آورد و وجدان جمعی بشری را جریحه‌دار می‌سازد؛ صرف‌نظر از این که جرم نسل‌کشی در کجا رخ داده باشد، مرتکبین آن چه کسانی باشند و قربانیان آن به کدام کشور، نژاد، دین، مذهب و ملیت تعلق داشته باشند. مقایسه آثار منفی اجتماعی که وقوع یک جنایت نسل‌کشی بر جای می‌گذارد، با آثار منفی ناشی از ارتکاب یک قتل می‌تواند این تفاوت را نشان دهد.

## ۲-۲-۱. از بعد شکلی

به لحاظ شکلی، جرایم بین‌المللی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که بر اساس توافق آزادانه دولت‌ها، مستقل از نظام‌های ملی، در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی جرم‌انگاری شده و ضمانت‌های اجرایی قهری برای آن در نظر گرفته شده است.

رفتارهایی برخوردار از ویژگی‌های پیش‌گفته در طول یک قرن اخیر شناسایی و در قالب اسناد بین‌المللی عام جرم‌انگاری شده و برای آن‌ها مکانیزم اجرایی بین‌المللی تدبیر شده است.

## ۳-۱. ورود جرایم بین‌المللی در نظام‌های داخلی

در چند دهه اخیر در برخی از کشورها، از جمله در قانون جزای جدید افغانستان، نیز این نوع رفتارها جرم‌انگاری شده و به محاکم ملی صلاحیت جهانی داده شده تا به دعاوی مربوط به این نوع جرایم رسیدگی کنند و لو این‌که مرتکب و قربانی آن خارجی بوده و محل ارتکابش کشور دیگری باشد؛ بنابراین، صلاحیت جهانی اصولاً ناظر بر جرایم جهانی است.

جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی در نظام‌های داخلی و پیش‌بینی صلاحیت جهانی برای محاکم ملی متأثر از سه عامل می‌باشد:

### ۱-۳-۱. تبدیل مصونیت مقام حاکم به مسئولیت جزایی مقام حاکم

در گذشته نه‌چندان دور، مقامات عالی کشورها در برابر محاکم دولت‌های دیگر، در برابر هر نوع جرم، از مصونیت مطلق برخوردار بودند (Cassese, 2005: 435). با تثبیت مسئولیت جزایی اشخاص در حقوق بین‌الملل و رفع مصونیت مقام حاکم، خط سرخ مصونیت مقام حاکم در نظام‌های داخلی هم شکست. مبنای نظری این تحول، پذیرش برخی از رفتارهای جرمی به‌مثابه جرایم بین‌المللی و ویژگی‌هایی بود که در نظام بین‌المللی برای این نوع جرایم در نظر گرفته شد (Ibid, 116&436).

### ۲-۳-۱. تعهدات الزام‌آور بین‌المللی

عامل مهم دیگر، تعهد بین‌المللی دولت‌ها در قالب معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که آن‌ها را مکلف می‌سازد تا در نظام‌های داخلی‌شان تدابیر تقنینی، قضایی و اجرایی لازم

### ۳-۳-۱. مواجهه عملی برخی نظام‌ها با جرایم بین‌المللی

سومین عامل مؤثر در جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی در نظام‌های داخلی، مواجهه‌شدن با مرتکبان و قربانیان جرایم بین‌المللی بوده است. کشورهای غربی، از قبیل ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی، که به دلیل بالا بودن میزان امنیت و رفاه اجتماعی، قبله آمال مرتکبان و نیز قربانیان جرایم بین‌المللی مناطق بحران‌زده بوده، در این زمینه پیشگام بوده‌اند. وقتی به دنبال یک فاجعه انسانی در یک کشور بحران‌زده هم مرتکبان جرایم جنگی و نسل‌کشی و هم قربانیان این جنایات به یکی از این کشورها پناه می‌بردند، قربانیان برای دادخواهی به محاکم مراجعه می‌کردند. این خود چالش نوی در برابر محاکم خلق می‌کرد که ناگزیر باید حل می‌شد. به این ترتیب، ضرورت عملی و بالفعل اعطای صلاحیت جهانی به محاکم به میان می‌آمد. به این ترتیب، تعدادی از دولت‌ها در پی یک چنین معضلات عملی، ناگزیر شدند به موجب قانون داخلی، به محاکم ملی خود صلاحیت جهانی بدهند.

برخی از کشورهای بحران‌زده نیز در نقاط دیگر جهان، بعد از پشت سر گذاشتن فجایع بشری، به جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی و اعطای صلاحیت جهانی به محاکم ملی خود مبادرت کرده‌اند که از جمله این کشورها می‌توان از عراق و افغانستان نام برد.

به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی و **پیش‌بینی صلاحیت جهانی در کد جزا** تحت تأثیر سه عامل صورت گرفته باشد: (۱) تداوم فجایع بشری و وقوع مکرر جرایم بین‌المللی، به‌خصوص جرایم جنگی، جرایم ضد بشری و حتی نسل‌کشی (وقوع جرایم بین‌المللی به امر معمول و روزمره تبدیل شده است)؛ (۲) عضویت افغانستان در کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی که برخی از آن‌ها دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر ملی در این زمینه می‌سازد؛ (۳) فشار جامعه جهانی و همکاران بین‌المللی دولت افغانستان در این مورد.

۱. کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنوا، دو پروتکل الحاقی این کنوانسیون‌ها و اساس‌نامه محکمه جزایی بین‌المللی جزء مهم‌ترین اسناد بین‌المللی هستند که دولت‌ها را موظف می‌کند تدابیر ملی لازم را در این زمینه اتخاذ کنند.

## ۲. جرایم فراملی

یکی از مفاهیم مرتبط با جرایم بین‌المللی، جرایم فراملی است. در مورد تفاوت این دو و ترسیم مرز دقیق برای تفکیک این دو نوع جرایم از همدیگر، بین حقوق‌دانان نیز اختلاف نظر و تفاوت برداشت وجود دارد (باسیونی، ۲۰۰۱: ۲۰)؛ بنابراین، برای روشن‌تر شدن جرایم بین‌المللی به‌طور بسیار اجمال به توضیح جرایم فراملی پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. تعریف

جرایم فراملی به آن دسته از رفتارهای جرمی اطلاق می‌شود که دولت‌ها بر اساس معاهدات بین‌المللی متعهد می‌شوند که آن‌ها را در نظام‌های داخلی‌شان جرم‌انگاری کرده و زمینه تعقیب عدلی - قضایی و مجازات مرتکبان آن‌ها را فراهم سازند.

ب. تفاوت‌های جرایم بین‌المللی با جرایم فراملی

جرایم بین‌المللی با جرایم فراملی از سه جهت با هم تفاوت دارند:

### ۲-۱-۱. از جهت سابقه تاریخی

سابقه جرایم فراملی حداقل به سال ۱۸۱۵ بازمی‌گردد. احتمالاً اولین کنوانسیون‌های حاوی جرایم فراملی در این تاریخ به تصویب رسیده است. دولت‌ها بر اساس مقررات مندرج در آن‌ها تعهد سپردند که رفتارهای جرمی از قبیل تجارت برده و دزدی در یایی در دریای آزاد را در نظام‌های حقوقی خود جرم تلقی کنند و فرایند تعقیب قضایی قانونی و مکانیزم ضمانت اجرای مؤثر را برای مرتکبان این نوع جرایم فراهم سازند (کیتی چایساری، پیشین، ۵)؛ بنابراین، سابقه تاریخی جرایم فراملی حداقل به دو صد سال قبل بازمی‌گردد؛ اما جرایم بین‌المللی، چنانچه توضیح داده شد، پدیده قرن بیستمی است. اگرچه به‌لحاظ نظری ممکن است سابقه نسبتاً طولانی‌تری داشته باشد؛ اما در عمل برای اولین بار بعد از جنگ دوم جهانی تبارز عینی و واقعی یافته است.

### ۲-۱-۲. از جهت ماهیت

جرایم فراملی اصولاً ماهیت ملی دارند؛ به این معنا که با نظم و امنیت داخلی در ارتباطند.



حداقل بعد سرزمینی بودن آن برجسته است و بیش‌تر نظام حقوقی ملی را اخلاص می‌کند؛ برخلاف جرایم بین‌المللی که مستقل از نظام‌های داخلی‌اند. جرایم بین‌المللی ماهیت جهانی دارند. به همین دلیل، حقوق‌دان‌ها در مواردی به انگیزه این که از مفهوم تعبیر دقیق‌تر ارائه کرده باشند، از پسوند جهانی استفاده می‌کنند و عنوان جرایم جهانی را به کار می‌برند.

جرایم فراملی در واقع، نوعی یکسان‌سازی نرم‌های جزایی ملی است که دولت‌ها برای مقابله مؤثرتر با جرایم مخمل نظم و امنیت داخلی خود به آن مبادرت می‌ورزند. فرایند پذیرش تعهدات بین‌المللی برای جرم‌انگاری رفتارهای خاص در نظام‌های ملی و اتخاذ تدابیر لازم برای ضمانت‌های اجرایی مؤثر در این زمینه، به فرایند یکسان‌سازی قوانین در حوزه‌های احوال شخصی، تعارض قوانین و تجارت شباهت دارد. کنوانسیون‌های حاوی چنین تعهدات را می‌توان به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) مقایسه کرد.

### ۳-۱-۲. از جهت دامنه شمول

مصادیق جرایم فراملی وسیع و گسترده است. جرایم بین‌المللی صرفاً شدیدترین و خطرناک‌ترین جرایمی را پوشش می‌دهند که نظم جامعه جهانی را مختل می‌سازند. قلمرو جرایم فراملی به آسانی در دایره کنوانسیون‌های دوجانبه، چندجانبه و کثیرالجانب قابل گسترش است.

نتیجه یک تحقیق نشان می‌دهد که از سال ۱۸۱۵ تا سال ۱۹۹۹، در قالب ۲۷۶ کنوانسیون بین‌المللی مربوط به موضوعات جزایی، ۲۷ گروه از رفتارهای جرمی پیش‌بینی شده است (باسیونی، پیشین، ۲۱). به لحاظ نظری، حقوق‌دانان تعداد محدودی از این ۲۷ گروه (بین ۶ تا ۸ گروه) را جرایم بین‌المللی به حساب می‌آورند که برای محاکمه و مجازات مرتکبان آن‌ها به صلاحیت جهانی می‌توان استناد جست؛ اما به لحاظ عملی، تا آن‌جا که بر اساس اسناد حقوقی معتبر بین‌المللی و رویه قضایی موجود قابل بحث و استناد است، تنها چهار گروه از رفتارهای جرمی به‌عنوان جرایم بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است؛ مانند نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم تجاوز علیه دولت.

از کلیه جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی، می‌توان قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، جرایم مربوط به مواد مخدر، پول‌شویی، تمویل تروریسم و حتی جرایم سایبری، فساد اداری و... را به‌عنوان مصادیق جرایم فراملی نام برد.

نوعی دیگر از جرایمی که شباهت کمی به جرایم بین‌المللی و شباهت بیش‌تری به جرایم فراملی دارند، جرایم برون‌مرزی است. جرایم برون‌مرزی به جرایمی گفته می‌شود که در نظام‌های ملی، بدون ارتباط به تعهدات بین‌المللی، به‌منظور حفاظت و حمایت از منافع ملی یا حمایت از اتباع کشور پیش‌بینی می‌شود. این نوع جرایم در خارج از قلمرو سرزمین دولت مربوطه علیه اتباع یا علیه منافع ملی دولت مربوطه رخ می‌دهد و در عین حال به محاکم ملی صلاحیت تعقیب، محاکمه و مجازات داده می‌شود. محکمه ملی به استناد صلاحیت حمایتی، مرتکبان این نوع جرایم را تحت تعقیب قرار می‌دهد.

### ۳. صلاحیت جهانی محاکم ملی

#### ۳-۱. تعریف

صلاحیت جهانی در نظام‌های ملی به موجب قانون به محاکم داده می‌شود. صلاحیت جهانی به این مفهوم، صلاحیتی است که یک محکمه ملی به استناد آن می‌تواند به جرایمی رسیدگی کند که محل وقوع جرم خارج از قلمرو سرزمینی دولت بوده، مرتکب و قربانی جرم نیز اتباع دولت نمی‌باشد و وقوع جرم به منافع و مصالح ملی دولت مربوطه هم ارتباط مستقیم ندارد (Dixon, ۲۰۱۳: ۱۵۴).

صلاحیت جهانی در واقع جدیدترین استثنای اصل سرزمینی بودن صلاحیت‌های دولت در حوزه جرایم و مجازات‌هاست. در حقوق جزا دو اصل اساسی و بنیادین وجود دارد: (۱) اصل سرزمینی بودن؛ (۲) اصل فراگیر و عام‌الشمول بودن (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

اصل سرزمینی بودن به این معناست که صلاحیت دولت در جرم‌انگاری رفتارها و اعمال صلاحیت عدلی و قضایی در دایره قلمرو حاکمیت ملی محدود می‌شود و دولت صلاحیت ندارد رفتارهایی را که در خارج از قلمرو سرزمینی‌اش رخ می‌دهد، جرم‌انگاری و مرتکبین آن را تحت تعقیب عدلی و قضایی قرار دهد.

اصل فراگیر بودن هم به این معناست که صلاحیت دولت در مورد جرم‌انگاری رفتارها و اعمال صلاحیت قضایی و اجرایی برای تضمین آن، فراگیر و عام‌الشمول می‌باشد (عوده، ۲۶۳) و در محدوده قلمرو حاکمیت ملی هیچ‌کس از دایره آن خارج بوده نمی‌تواند.

بر هر دو اصل، با گذشت زمان، استثنائاتی وارد گردیده است. استثنائات اصل فراگیر بودن مجموعه‌ای از مصونیت‌هاست (مصونیت دیپلماتیک، مصونیت کنسولی، مصونیت مقامات عالی کشورها، مصونیت‌های خاص قراردادی و...) که به تدریج طی چند دهه اخیر وارد گردیده است. این موضوع مورد بحث ما نیست.

استثنائات کلاسیک اصل سرزمینی بودن، صلاحیت شخصی و صلاحیت حمایتی است که در اوایل قرن بیستم بر اصل سرزمینی بودن صلاحیت جزایی دولت وارد گردید. البته این دو استثنا با اصل سرزمینی بودن صلاحیت‌های جزایی معمولاً تحت عنوان انواع صلاحیت مورد بحث قرار می‌گیرد. صلاحیت جهانی آخرین استثنایی است که بر اصل سرزمینی بودن وارد گردیده است. با وارد شدن صلاحیت جهانی در جمع استثنائات پیشین، بهتر آن خواهد بود که مجموع آن‌ها را به دو دسته تقسیم کنیم: ۱) صلاحیت‌های کلاسیک شامل اصل سرزمینی بودن و دو استثنای قدیمی تر آن؛ ۲) صلاحیت جدید که همان صلاحیت جهانی یا جدیدترین استثنای اصل سرزمینی بودن باشد.

### ۲-۳. پیشینه صلاحیت جهانی

پیشینه تاریخی صلاحیت جهانی کوتاه‌تر از سابقه تاریخی جرایم بین‌المللی است. موضوع صلاحیت جهانی در عمل بعد از ورود جرایم بین‌المللی در نظام‌های ملی به میان آمده است. جرایم بین‌المللی اصولاً باید از طریق مراجع قضایی بین‌المللی تحت تعقیب قرار می‌گرفت؛ چون جرایم مورد بحث ماهیتاً بین‌المللی و جهانی‌اند؛ اما دو چیز باعث شده است که این اتفاق رخ ندهد و صلاحیت محکمه جزایی بین‌المللی صلاحیت تکمیلی در نظر گرفته شود و مسئولیت اولیه و اصلی به دوش نظام‌های جزایی داخلی گذاشته شود.

#### ۱-۲-۳. جوان بودن نظام جزایی بین‌المللی

حقوق بین‌الملل در کل یک نظام حقوقی جوان و کم‌پیشینه است. مسئولیت جزایی به‌طور خاص و حقوق جزای بین‌الملل به‌طور کل، ابتکار جدید در حقوق بین‌الملل است؛ بنابراین، تکامل مکانیزم ضمانت‌های اجرایی در حقوق جزای بین‌الملل به گذشت زمان ضرورت دارد.

## ۲-۲-۳. وابستگی به نظام‌های داخلی

در قدم اول، اندیشه نظام جزایی بین‌المللی، مثل هربخش دیگر حقوق بین‌الملل، ریشه در نظام‌های داخلی دارد. ایده اولیه نوعاً در نظام‌های داخلی طرح شده و توسط اندیشمندان نظام‌های حقوقی توسعه یافته ملی پرورش یافته و آنگاه به منظور ایجاد یک مکانیزم جامع‌تر و فراگیرتر و ایجاد ضمانت‌های اجرایی مؤثر، در سطح بین‌المللی مطرح شده است تا تعهدات وسیع و گسترده برای تطبیق آن شکل گیرد.

البته، این نکته را هم نباید فراموش کرد که بستر وقوع جرایم بین‌المللی خارج از قلمرو نظام‌های ملی نیست. به همین دلیل، قاعده، نرم‌ها و الزامات پذیرفته شده در سطح جامعه بین‌المللی که از حمایت وسیع‌تر و مؤثرتر برخوردار می‌گردد، دوباره باید وارد نظام‌های ملی شود. به این ترتیب، طبیعی است که صلاحیت محکمه جزایی بین‌المللی تکمیلی در نظر گرفته شده باشد.

محکمه جزایی بین‌المللی در ابعاد مختلف برای انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود به نظام‌های داخلی متکی است، چه در جلب متهمان، چه در اجرا و تطبیق احکام صادره نهایی و چه موارد دیگر. به نظر می‌رسد که این وابستگی را پایانی نباشد.

## ۳-۳. شرایط اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم ملی

محاکم ملی در صورتی می‌توانند صلاحیت جهانی اعمال کنند که شرایط ذیل تکمیل باشد:

### ۱-۳-۳. بین‌المللی بودن جرم

صلاحیت جهانی صرفاً در مورد جرایم بین‌المللی (گاهی به نام جنایات بین‌المللی یا جرایم جهانی یاد می‌شود) قابل اعمال است. در رسیدگی به جرایم ملی، جرایم برون‌مرزی و جرایم فراملی نمی‌توان از صلاحیت جهانی کار گرفت.

در حوزه جرایمی که بعد ملی دارند، از جمله جرایم فراملی که در ماهیت جرایم ملی تلقی می‌شوند، مقامات عالی دولت‌ها هم‌چنان در برابر محاکم ملی از مصونیت کامل برخوردارند؛ بنابراین، حداقل سران کشورها، مقامات عالی دولتی، از جمله وزیر جنگ، قوماندان قوای مسلح و قوماندان‌های ارشد جنگی در حوزه جرایم غیر بین‌المللی، در برابر محاکم ملی کشورهای دیگر، از مصونیت قضایی برخوردارند. به همین جهت، امکان محاکمه و مجازات آن‌ها وجود

ندارد؛ اما در مورد جرایم بین‌المللی حتی مصونیت مقام حاکم اعتبار خود را از دست داده است.

### ۲-۳-۳. جرم‌انگاری در قوانین داخلی

شرط دوم اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم ملی این است که جرایم بین‌المللی در نظام ملی جرم‌انگاری شده باشد. صرف پیش‌بینی در اسناد بین‌المللی یا تثبیت شدن آن در عرف بین‌المللی کافی نیست. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها که در همه نظام‌های جزایی به‌عنوان یک اصل به رسمیت شناخته شده، مانع از آن است که جرایم بین‌المللی به صرف پیوست به کنوانسیون بین‌المللی به‌طور مستقیم قابل اجرا شود. اصول حقوق جزا، از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مقتضی است که محتوای اسناد بین‌المللی و یا حتی فراتر از آن، در قالب قانون یا قوانین ملی جرم‌انگاری شود.

### ۳-۳-۳. اعطای صریح صلاحیت به محاکم ملی

صلاحیت محاکم ملی باید بر اساس قانون به‌طور صریح به محاکم ملی داده شود. این شرط نیز به اصل قانونی بودن به مفهوم عام آن بازمی‌گردد. اصل قانونی بودن به دو مصداق (اصل قانونی بودن جرایم و اصل قانونی بودن مجازات‌ها) خلاصه نمی‌شود. اصل اساسی حاکمیت قانون اقتضا دارد ایجاد محاکم، حوزه اعمال صلاحیت محاکم و اصل صلاحیت‌های محاکم و اجرائات محاکم، همه به موجب قانون تعیین شود. همان‌طور که صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخص و حمایتی ضرورت به تصریح در قانون دارد، صلاحیت جهانی نیز ضرورت به تصریح دارد. تثبیت آن در اسناد بین‌المللی به محاکم ملی جواز نمی‌دهد که به استناد آن به جرایم بین‌المللی رسیدگی کنند.

### ۴-۳-۳. عدم امکان اعمال صلاحیت‌های دیگر

در مواردی که شرایط استناد به صلاحیت سرزمینی و یا صلاحیت‌های شخصی و حمایتی فراهم باشد، محاکم، بسته به مورد، به استناد آن‌ها به موارد ارتکاب جرم رسیدگی می‌کنند، ولو این‌که جرم مورد اتهام جزء جرایم بین‌المللی باشد. مورد استناد به صلاحیت جهانی جایی است که به صلاحیت‌های سرزمینی یا شخص و حمایتی استناد نتوانند.

## ۴. شرایط و موارد استناد به صلاحیت جهانی برای محاکم افغانستان

ماده ۲۶ کد جزا برای محاکم افغانستان صلاحیت جهانی پیش‌بینی کرده است. به این ترتیب، افغانستان به جمع محدود کشورهایی پیوسته است که محاکم آن‌ها در مورد تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم بین‌المللی از صلاحیت جهانی کار می‌گیرند.

حال که محاکم افغانستان از صلاحیت اعمال صلاحیت جهانی برخوردار شده‌اند، دو موضوع در این زمینه ضرورت به توضیح دارد. اول این‌که محاکم افغانستان تحت چه شرایطی صلاحیت جهانی اعمال خواهند کرد. دوم این‌که در چه مواردی امکان استناد به صلاحیت جهانی برای محاکم افغانستان میسر خواهد بود.

### ۴-۱. شرایط اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم افغانستان

محاکم افغانستان صلاحیت دارند به جرایمی که در اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده یا بر اساس قواعد عرفی به‌عنوان جرایم بین‌المللی تثبیت گردیده است، رسیدگی کنند؛ مشروط به سه شرط: (۱) در قوانین افغانستان هم جرم‌انگاری شده باشند؛ (۲) مرتکب در افغانستان یافت شود؛ (۳) صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی و حمایتی قابل اعمال نباشد (کد جزا، ماده ۲۶)؛ بنابراین، در قضایایی که محکمه می‌تواند به اتکای صلاحیت سرزمینی رسیدگی کند، مثل آن‌که جرم در خاک افغانستان رخ داده باشد، یا در قضایایی که جرم علیه اتباع افغانستان رخ داده باشد و یا اتباع افغانستان مرتکب این نوع جرایم شده باشند، نوبت به استناد به ماده ۲۶ نمی‌رسد، ولو این‌که جرایم ارتکاب‌یافته مصداق باب دوم از کتاب دوم باشند.

### ۴-۲. موارد اعمال صلاحیت جهانی محاکم افغانستان

در مورد تمام ۶۹ عمل جرمی که در چهار دسته کلان، تحت عنوان جرایم بین‌المللی در اسناد بین‌المللی و تحت عنوان جرایم علیه بشریت باب دوم کتاب دوم کد جزا پیش‌بینی شده است، محاکم جزایی افغانستان صلاحیت رسیدگی دارند. صلاحیت رسیدگی محاکم افغانستان با توجه به مواد ۱۶ و ۲۶ در این مورد عام و فراگیر است. به جرایم بین‌المللی به هر حال صلاحیت رسیدگی دارد؛ اما در رسیدگی به این نوع جرایم، تحت شرایط متفاوت، باید از صلاحیت‌های متفاوت استفاده کنند.

## ۱-۲-۴. صلاحیت‌های کلاسیک

صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و صلاحیت حمایتی؛ در مواردی که جرم در قلمرو افغانستان رخ داده باشد، با استفاده از صلاحیت سرزمینی رسیدگی می‌کنند. در مواردی که مرتکب جرم اتباع افغانستان باشند، مبنای رسیدگی محاکم افغانستان صلاحیت شخصی خواهد بود؛ اما در مواردی که جرایم بین‌المللی در بیرون از افغانستان علیه اتباع افغانستان به وقوع پیوسته باشد، این‌جا محکمه از صلاحیت حمایتی می‌تواند بهره‌گیرد و به قضیه رسیدگی کند. در این موارد نه ضرورت به استفاده از صلاحیت جهانی وجود دارد و نه جواز قانون از صلاحیت جهانی وجود دارد.

## ۲-۲-۴. صلاحیت جدید (صلاحیت جهانی)

در مواردی که محل وقوع جرم افغانستان نباشد و یا مرتکب یا قربانی آن نیز جزء اتباع افغانستان نباشند، نوبت به استفاده از صلاحیت جهانی می‌رسد. در چنین مواردی، محاکم افغانستان برای محاکمه متهمین به ارتکاب جرایم بین‌المللی، تنها به صلاحیت جهانی پیش‌بینی شده در ماده ۲۶ می‌توانند استناد جویند؛ به‌طور مثال: فرض می‌کنیم تبعه اردن در فجایع انسانی سوریه علیه اتباع کشور سوریه مرتکب این نوع جرایم شده باشد و به‌طور اتفاقی در افغانستان حضور یابد، در چنین فرضی محاکم افغانستان بر اساس ماده ۲۶ صلاحیت رسیدگی دارد. این نوع صلاحیت، صلاحیت جهانی است که محکمه ملی اعمال می‌کند.

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

## ۵. مصادیق جرایم بین‌المللی در کد جزا

باب دوم از کتاب دوم کد جزا به جرایم بین‌المللی اختصاص یافته است. این باب شامل چهار فصل است. در این چهار فصل، ۶۹ عنوان جرمی کلی‌تر و جمعاً ۱۲۳ عمل جرمی به تفصیل جرم‌انگاری شده و برای هر کدام جزای معینی پیش‌بینی شده است: در فصل جرایم نسل‌کشی ۵ عمل جرمی، در فصل جرایم ضد بشری ۱۵ عمل جرمی، در فصل جرایم جنگی ۸۰ عمل جرمی و در فصل جرایم تجاوز علیه دولت ۲۳ عمل جرمی.

در ذیل عناوین کلی جرمی هریک از فصول چهارگانه به‌طور اجمالی توضیح داده می‌شود:

### ۱-۵. جرایم نسل‌کشی

هریک از رفتارهای جرمی پنج‌گانه پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی و کد جزا که به‌طور عمدی علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به منظور نابودساختن تمام یا بخشی از آن گروه انجام می‌شود (کد جزا، ماده ۳۳۳).

### ۲-۵. جرایم ضد بشری

هریک از رفتارهای جرمی پانزده‌گانه که در قالب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته به قصد ایجاد رنج یا صدمه شدید روحی یا جسمی علیه جمعیت غیر نظامی انجام می‌شود، مثل کشتار، نابودسازی، کوچ اجباری و... (کد جزا، ماده ۳۳۵).

### ۳-۵. جرایم جنگی

هریک از موارد نقض مقررات متعدد بین‌المللی (۸۰ عمل جرمی) که در قالب اسناد مختلف مربوط به جنگ، از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنوا و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ آن‌ها و نیز اساس‌نامه محکمه جزایی بین‌المللی و در قالب عواید عرفی بین‌المللی مقرر گردیده است. این قواعد به چهار دسته متفاوت تقسیم‌بندی شده‌اند: (۱) قواعد مربوط به مجروحین و مریضان نیروهای مسلح در میدان جنگ؛ (۲) قواعد مربوط به مجروحین، مریضان و کشتی‌شکسته‌گان؛ (۳) قواعد مربوط به اسرای جنگی؛ (۴) قواعد مربوط به غیر نظامیان؛ مثال: کشتن اسیر جنگی، وادار کردن اسیر به جنگیدن در برابر نیروی نظامی خودی، به‌کارگیری سلاح‌های ممنوعه، تخریب اماکن فرهنگی و دینی و... (کد جزا، ماده ۳۳۷).

### ۶. جرایم تجاوز علیه دولت

ارتکاب هریک از رفتارهای جرمی سیزده‌گانه توسط شخصی که قدرت سیاسی یا نظامی یک دولت را رهبری می‌کند؛ به شرطی که از نظر شدت و ماهیت نقض منشور تلقی شود؛ مثل تهاجم مسلحانه به قلمرو دولت دیگر، قراردادن بخشی از قلمرو حاکمیت ملی خود در اختیار دولت دیگر برای تجاوز به دولت ثالث، اعزام نیروهای مسلح یا مزدوران جنگی در کشور دیگر و... (کد جزا، ماده ۳۴۱).



## نتیجه گیری

جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی و اعطای صلاحیت جهانی به محاکم افغانستان، بخش کوچکی از نوآوری‌های شایسته و قابل قدر کد جزا است. با جرم‌انگاری جامع تمام مصادیق جرایم بین‌المللی، از جمله جدیدترین مصادیق آن، از قبیل جرایم جنگی در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی و جرایم تجاوز علیه دولت، خلأ قانونی در این زمینه پر گردیده است. اعطای صلاحیت جهانی به محاکم ملی تدبیر مکملی است که حتی موارد خاص و استثنایی را هم پوشش می‌دهد و هیچ مورد فرضی و نادر از موارد وقوع جرایم بین‌المللی هم از تحت پوشش صلاحیت تعقیب محاکم افغانستان بیرون نمی‌ماند.

درست است که فعلاً نظام جزایی افغانستان در مورد جرایم بین‌المللی در مقام اجرا با چالش‌های عمده و موانع پیچیده مواجه است؛ اما این بدان معنا نیست که توسعه و تکامل نظام جزایی به لحاظ ساختاری و زیربنایی، در پاسخ به تحولات تاریخی و اجتماعی و اقتضائات مبرم زمان، اقدام بی‌فایده و غیر ضروری است. در شرایط فعلی، چالش‌های فراروی نظام جزایی ما محدود به جرایم بین‌المللی نیست؛ بلکه در سایر حوزه‌های جرمی، از جمله در سنتی‌ترین حوزه‌ها، از قبیل جرم قتل، نهب، سرقت و... نیز در عمل با چالش‌های اساسی مواجه است؛ بنابراین، چالش‌های اجرایی توجیه‌گر عدم ضرورت اقدامات و تدابیر اصلاحی ساختاری و اساسی نیست. برای چالش‌های موجود در مقام اجرا اقدامات دیگری لازم است که طبق شرایط متغیر زمان باید تدبیر شود.

تأسیس ۱۳۹۴

جرم‌انگاری جرایم بین‌المللی و اعطای صلاحیت جهانی به محاکم ملی، علاوه بر این که پاسخی است مقتضی به ضرورت اجتماعی و اقتضائات مبرم شرایط موجود در کشور ما، گامی است، هر چند ابتدایی، در جهت هم‌سوس شدن با تحولات زمان در سطح جهانی در برخورد قاطع با ابتکارات تلخ و دلخراش نسل بشر در خلق فجایع بی‌پیشینه انسانی.

وجه دیگر این ابتکار، عمل به تعهدات بین‌المللی است که دولت در طول چند دهه گذشته، به‌خصوص در دهه اخیر، داوطلبانه و علاقه‌مندانه یا مصلحت‌جویانه به عهده گرفته است. دولت افغانستان به مقتضای کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های متعدد بین‌المللی تعهد سپرده است جرایم بین‌المللی را در نظام داخلی خود پذیرش و ضمانت‌های اجرایی لازم و مکانیزم‌های

تطبیقی مناسب را به وجود بیاورد. آخرین سند معتبر بین‌المللی که افغانستان عضو آن است، اساس‌نامه محکمه جزایی بین‌المللی است. جرایم بین‌المللی شاید در جامع‌ترین وجه آن، در این اساس‌نامه پیش‌بینی شده است. این بدان معنا است که دولت افغانستان به جرم‌پنداری تمام موارد پیش‌بینی شده در این اساس‌نامه متعهد است و بنابراین، مکلف به جرم‌انگاری داخلی. علاوه بر این، صلاحیت محکمه در اساس‌نامه تکمیلی پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup> این هم بدان معنا است که دولت افغانستان مکلفیت دارد کسانی را که در قلمرو حاکمیت دولت افغانستان به ارتکاب این جرایم مبادرت می‌ورزند، محاکمه و مجازات نماید؛ تکلیفی که مستلزم جرم‌انگاری داخلی و اعطای صلاحیت رسیدگی، محاکمه و مجازات از طریق دستگاه عدلی-قضایی ملی است.

باقی می‌ماند موانع و چالش‌های اجرایی فراروی دستگاه عدلی و قضایی کشور که رفع آن‌ها هم زمان می‌برد و هم به تدابیر دقیق و کارشناسانه و اراده کلان ملی ضرورت دارد.

## منابع

۱. باسیونی، شریف (۲۰۰۱)، صلاحیت قضایی جهانی برای جنایات بین‌المللی، نشریه انجمن حقوق بین‌الملل ویرجینیا.
۲. پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنوا مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی، ۸ جون ۱۹۷۷.
۳. رابرتسون، جفری (۱۳۸۳)، جنایات علیه بشریت، ترجمه گروهی از مترجمان، چاپ اول.
۴. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات سراج، چاپ اول.
۵. عوده، عبدالقادر، جرم و ارکان آن، ترجمه حسن فرهودی‌نیا، تهران، نشر یادآوران.
۶. کد جزا، باب دوم از کتاب دوم.
۷. کنوانسیون ژنوا برای بهبود وضعیت مجروحین و مریضان نیروهای مسلح در میدان جنگ، ۱۲ آگست ۱۹۴۹.
۸. کنوانسیون ژنوا برای بهبود وضعیت مجروحین، مریضان و اعضای کشتی شکسته نیروهای مسلح در جنگ‌های بحری، ۱۲ آگست ۱۹۴۹.
۹. کنوانسیون ژنوا مربوط به برخورد با اسرای جنگی، ۱۲ آگست ۱۹۴۹.
۱۰. کنوانسیون ژنوا مربوط به حمایت از اشخاص ملکی در زمان جنگ، ۱۲ آگست ۱۹۴۹.
۱۱. کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان.
12. Antonio Cassese, International Law, Oxford university press, second edition, 2005.

1. Rome Statute, Article 17.

13. Martin Dixon, Textbook on International Law, Oxford University Press, 7th Edition, 2013.
14. Rebecca M.M. Wallace, International Law, London, Thomson press, 5th Edition, 2005.
15. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.
16. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1991.
17. Statute of the International Tribunal for Rwanda.

